

پرچم ما نمایانگر عقیده ماست!

(ترجمه)

در سرزمین‌های اسلامی پرچم‌هایی برافراشته می‌شوند و در آنچه «اعیاد استقلال» نامیده می‌شود، این پرچم‌ها به نمایش درمی‌آیند. اما آیا مسلمانان تاکنون از خود پرسیده‌اند که معنای این پرچم‌ها چیست؟ رنگ‌های آن‌ها از کجا آمده است؟ چه کسی آن‌ها را طراحی کرده است؟ به‌ویژه که تمامی این پرچم‌ها از یک پرچم واحد الهام گرفته شده‌اند: پرچم عربی نخستین که در آغاز قرن بیستم برای «انقلاب بزرگ عربی» که شریف حسین علیه دولت خلافت عثمانی رهبری کرد، برافراشته شد.

هرچند که طراح واقعی این پرچم نخستین به‌طور قطعی مشخص نیست؛ برخی منابع آن را به شخصیت‌های عربی که این پرچم را نمادی از استقلال از خلافت عثمانی می‌دانستند نسبت می‌دهند، و برخی دیگر آن را کار شخصیت‌های بریتانیایی می‌دانند که قصد داشتند این پرچم را به‌عنوان نماد شورش علیه خلافت عثمانی معرفی کنند. طبق اسناد موجود در آرشیف بریتانیا در لندن، طراحی این پرچم به دیپلمات بریتانیایی، سر مارک سایکس، نسبت داده می‌شود که تلاش داشت با ایجاد حس «عربیت» مردم را علیه خلافت عثمانی تحریک کند.

اگرچه انقلاب عربی در مقیاس بسیار محدودی انجام شد و بریتانیایی‌ها آن را هماهنگ کردند، نه خود اعراب، این پرچم تأثیر قابل‌توجهی بر پرچم‌های ملی کشورهای عربی تازه‌تأسیس پس از جنگ جهانی اول داشت. پرچم‌هایی که رنگ‌ها و طراحی آن‌ها از انقلاب عربی الهام گرفته‌اند شامل پرچم‌های مصر، اردن، عراق، کویت، سودان، سوریه، امارات، یمن، فلسطین، سومالی، جمهوری عربی صحراوی، لیبی و غیره هستند.

پرچم هر کشوری بازتابی از فرهنگ، مفاهیم و اعتقادات آن کشور است. به‌عنوان مثال، پرچم بریتانیا و ایرلند شمالی که به سال 1801م بازمی‌گردد، از نمادهای دینی مانند صلیب سرخ سنت جرج (شفاعت‌گر انگلستان)، صلیب سنت پاتریک (شفاعت‌گر ایرلند شمالی)، و صلیب قطری سنت اندرو (شفاعت‌گر اسکاتلند) تشکیل شده است. هم‌چنین، پرچم آمریکا نمایانگر نظام سیاسی و فرهنگی این کشور است، حتی جنبه‌های جنسی و رنگ‌های مرتبط با اقلیت‌ها نیز در طراحی پرچم آن به چشم می‌خورد. به همین ترتیب، پرچم‌های دیگر کشورهای ایدئولوژیک نیز نمایانگر نظام زندگی و عقاید آن‌ها هستند.

در دولت اسلامی، پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم برای آن، لواء (پرچم اصلی) و رایه (پرچم‌های فرعی) مشخص کرد. لواء سفیدرنگ بود و روی آن با خط سیاه عبارت «لا إله إلا الله محمد رسول الله» نوشته شده بود. این لواء برای فرمانده کل یا امیر لشکر بسته می‌شد و نشان‌دهنده موقعیت او بود و هر جا که امیر لشکر می‌رفت، این لواء نیز همراه او حرکت می‌کرد. دلیلی بر این امر حدیثی است که می‌گوید:

«أَنَّ النَّبِيَّ ﷺ دَخَلَ مَكَّةَ يَوْمَ الْفَتْحِ وَلِوَاؤُهُ أَبْيَضُ» (رواه ابن ماجه من طريق جابر)

ترجمه: پیامبر صلی الله علیه وسلم روز فتح مکه وارد مکه شد در حالی که لواء او سفید بود.

هم‌چنین در روایتی از انس در نزد نسائی آمده است:

«أَنَّهُ ﷺ جِيءَ بِأَمْرٍ أَسَامَةَ بْنِ زَيْدٍ عَلَى الْجَيْشِ لِيَغْزُوا الرُّومَ عَقَدَ لِوَاءَهُ بَيْدَهُ»

ترجمه: پیامبر ﷺ زمانی که اسامه بن زید را به عنوان فرمانده لشکر برای جنگ با روم منصوب کرد، خود با دست خود لواء او را بست.

رایه (پرچم فرعی) سیاه‌رنگ بود و روی آن عبارت «لا إله إلا الله محمد رسول الله» با خط سفید نوشته شده بود. این پرچم‌ها در اختیار فرماندهان گروه‌ها، دسته‌ها یا سایر واحدهای لشکر قرار می‌گرفت. دلیلی بر این امر حدیثی است که در جنگ خیبر پیامبر صلی الله علیه وسلم به عنوان فرمانده لشکر فرمود:

«لَأُعْطِينَ الرَّايَةَ عَدَاً رَجُلًا يَفْتَحُ عَلَى يَدَيْهِ، يُحِبُّ اللَّهُ وَرَسُولَهُ وَيُحِبُّهُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ... فَأَعْطَاهَا عَلِيًّا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ» (متفق عليه)

ترجمه: فردا این رایه را به کسی می‌دهم که الله به دست او فتح را نصیب می‌کند. او الله و رسولش را دوست دارد و الله و رسولش نیز او را دوست دارند... سپس رایه را به علی کرم الله وجهه دادند.

علی رضی الله عنه در آن زمان به عنوان فرمانده یکی از گروه‌ها یا دسته‌های لشکر محسوب می‌شد. هم‌چنین در حدیثی از حارث بن حسان البکری آمده است:

«قَدِمْنَا الْمَدِينَةَ فَإِذَا رَسُولُ اللَّهِ ﷺ عَلَى الْمُنْبَرِ وَبِلَالٌ قَائِمٌ بَيْنَ يَدَيْهِ مُتَقَلِّدٌ السَّيْفَ بَيْنَ يَدَيْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَإِذَا زَايَاتٌ سُودٌ، وَسَأَلْتُ: مَا هَذِهِ الرَّايَاتُ؟ فَقَالُوا: عَمْرُو بْنُ الْعَاصِ قَدِمَ مِنْ غَزَاةٍ» (أخرجه أحمد)

ترجمه: ما به مدینه آمدم و دیدیم که رسول الله ﷺ بر منبر بود و بلال جلوی ایشان ایستاده و شمشیری به خود آویخته بود. در جلوی پیامبر ﷺ رایه‌های سیاه بسیاری بود. پرسیدم: این رایه‌ها چیست؟ گفتند: عمرو بن عاص از غزوه بازگشته است.

عبارت «رایه‌های سیاه» به این معناست که پرچم‌های بسیاری همراه فرماندهان دسته‌ها و واحدهای لشکر بودند، در حالی که فرمانده کل لشکر تنها یک نفر بود که در اینجا عمرو بن عاص بود و لوا نیز همراه او بود.

بنابراین، لوا تنها نشان‌دهنده امیر لشکر است و رایه‌ها به عنوان پرچم‌های واحدهای مختلف لشکر استفاده می‌شوند.

لوا (پرچم اصلی) برای امیر لشکر بسته می‌شود و نشان‌دهنده مقرر او است. به این معنا که همیشه همراه مقرر امیر لشکر باقی می‌ماند. اما در میدان نبرد، فرمانده نبرد -چه امیر لشکر باشد یا فرمانده‌ای که توسط امیر لشکر منصوب شده باشد- رایه (پرچم فرعی) را دریافت می‌کند و در حین جنگ آن را با خود حمل می‌کند. به همین دلیل رایه به «ام‌الحرب» (مادر جنگ) معروف است؛ زیرا در میدان جنگ همراه فرمانده نبرد است. پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم هنگامی که خبر شهادت زید، جعفر و ابن رواحه را پیش از رسیدن سپاه به مردم اعلام کرد، فرمود:

«أَخَذَ الرَّايَةَ زَيْدٌ فَأُصِيبَ، ثُمَّ أَخَذَهَا جَعْفَرٌ فَأُصِيبَ، ثُمَّ أَخَذَهَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ رَوَاحَةَ فَأُصِيبَ»

ترجمه: رایه را زید گرفت و شهید شد، سپس جعفر آن را گرفت و شهید شد و سپس عبدالله بن رواحه آن را گرفت و شهید شد.

هم‌چنین در صورت وقوع جنگ با دشمن، اگر فرمانده لشکر در میدان جنگ خود خلیفه باشد، لوا نیز می‌تواند در میدان جنگ برافراشته شود و تنها رایه نباشد. در سیره ابن هشام هنگام روایت غزوه بدر آمده است که هم لوا و هم رایه در این نبرد حضور داشتند. اما در زمان صلح یا پس از پایان نبرد، رایه‌ها در سراسر لشکر پراکنده هستند و توسط گروه‌ها، دسته‌ها، و واحدهای لشکر برافراشته می‌شوند.

لوا در انتهای نیزه بسته می‌شود و به دور آن پیچیده می‌شود. این لوا به فرمانده لشکر داده می‌شود و تعداد آن بر اساس تعداد لشکرها تعیین می‌شود، به عنوان مثال به فرمانده لشکر اول، دوم، سوم... یا فرمانده لشکر شام، عراق، فلسطین... یا فرمانده لشکر خارطوم، قاهره، بیروت... و به همین ترتیب بر اساس نام‌گذاری لشکرها. اصل بر این است که لوا به دور نیزه پیچیده شود و فقط در مواقع نیاز باز شود. به عنوان نمونه، بر فراز دارالخلافة (مقر خلافت) لوا باز می‌شود به دلیل اهمیت این مکان و اینکه خلیفه فرمانده کل لشکر در اسلام است. هم‌چنین، لوا بر فراز مقرهای فرماندهان لشکرها در زمان صلح برافراشته می‌شود تا مردم عظمت لواهای لشکر خود را مشاهده کنند. اما اگر این نیاز با ملاحظات امنیتی مانند شناسایی مقرهای فرماندهان توسط دشمن در تعارض باشد، اصل بر این است که لوا باز نشود و هم‌چنان پیچیده باقی بماند.

اما رایه (پرچم فرعی)، به گونه‌ای طراحی شده که باد آن را به حرکت درآورد، همانند پرچم‌هایی که امروزه به کار می‌روند. از این رو، رایه بر ساختمان‌های دولتی، مؤسسات، و ادارات امنیتی نصب می‌شود و تنها همین پرچم بر این اماکن برافراشته می‌گردد. اما در مورد دارالخلافه (مقر خلافت)، لوا نیز همراه رایه برافراشته می‌شود، زیرا خلیفه فرمانده کل لشکر است. رایه در کنار لوا (به‌عنوان پرچم مدیریت) بر دارالخلافه نصب می‌شود، چرا که دارالخلافه مرکز اصلی مؤسسات دولتی است.

هم‌چنین، مؤسسات خصوصی و افراد عادی نیز رایه را حمل کرده و بر مؤسسات و خانه‌های خود نصب می‌کنند، به‌ویژه در مناسبت‌هایی مانند اعیاد، پیروزی‌ها و موارد مشابه.

ای مسلمانان! این پرچم شماس، این رایه شماس؛ رایه‌العقاب، رایه رسول الله ﷺ. آن را در حرکت‌های خود برافرازید و از ملامت هیچ ملامت‌گری در برافراشتن آن هراسی نداشته باشید! به شایعاتی که گمراه‌کنندگان در میان شما پخش می‌کنند، توجه نکنید. این رایه نماد خلافت است، نماد دین و عقیده شماس و روا نیست که پرچی جز آن را برافرازید.

برگرفته از شماره 529 جریده الرایه

نویسنده: استاد ابراهیم مشرف – ولایة سودان

مترجم: محمد مزمل